

موضوع:

**اثرات لقمه حلال و حرام**

صلى الله عليه وسلم

## فهرست مطالب

| عنوان                                            | صفحه |
|--------------------------------------------------|------|
| مقدمه.....                                       | ۱    |
| بطور کلی هر غذایی از این سه حالت بیرون نیست..... | ۳    |
| چند حدیث در اهمیت کسب حلال.....                  | ۴    |
| تجربه ها و عبرتها.....                           | ۵    |
| غذا و لقمه حرام.....                             | ۵    |
| اثر لقمه حرام.....                               | ۷    |
| غذای شبهه ناک.....                               | ۸    |
| طلب روزی حلال در قرآن و روایات                   |      |
| .....                                            |      |
|                                                  | ۱۰   |
| آثار طلب روزی حلال                               |      |
| .....                                            |      |
|                                                  | ۱۰   |
| شرایط کسب حلال                                   |      |
| .....                                            |      |
|                                                  | ۱۱   |
| عوامل افزایش روزی حلال                           |      |
| .....                                            |      |
|                                                  | ۱۲   |

آثار سوء حرام خواری و بی توجهی به کسب حلال

۱۳

تأثیر منفی بی توجهی به رزق حلال بر نسل

۱۴

داستانی شگفت از اثر حلال خواری

۱۴

رنگ و طعم غذای حلال و حرام

۱۵

کسب روزی حلال بسان یک مجاهد

۱۷

منابع

۱۸

اولین و مهمترین شرطی که اهل معرفت برای سالکین و مؤمنین در رسیدن به کمال و بلکه انسانیت بر می شمارند، موضوع رزق حلال، تأمین معیشت از طریق لقمه حلال و کسب حلال است.

لقمه حرام علاوه بر این که بر شخصیت خود فرد اثر سوء می گذارد و باعث تاریکی و قساوت قلب می شود، بر فرزندان و نسل آدمی نیز همین تأثیر را منتقل می نماید.

برای لقمه حرام در روایات آثاری بیان گشته است که به برخی اشاره می نماییم: عدم استجابات دعاها، عدم قبولی نماز، پذیرفته نشدن اعمال صالح، عدم استشمام بوی بهشت، تضعیف ایمان، اخراج از صیانت الهی، کاهش رزق حلال، خروج از ولایت پیامبر و اهل بیت او، حسرت در روز قیامت، لعن ملائکه، کوردلی. در مقابل لقمه حلال هر چند رنگین نباشد، موجب نورانیت دل و استجابات دعا و آمرزش و حفاظت الهی می گردد، (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۸۰).

مال شبهه‌ناک، به مالی گفته می‌شود که نه علم به حلال بودن آن هست و نه علم به حرام بودن، بلکه احتمال حرمت آن داده می‌شود، این مال گرچه حرام نیست، اما بهتر است از آن نیز احتراز گردد تا انسان از مفسده‌های مذکور در امان ماند.

لقمه حرام معنای گسترده ای دارد و منظور از آن خصوص غذا نیست بلکه منظور هر نوع استفاده از چیزی است که از راه موازین شرعی و احکام الهی به دست نیامده باشد، چه از راه دزدی باشد یا رشوه یا کلاهبرداری یا کم کاری یا خمس و زکات ندادن یا بدون اجازه صاحبش دست بردن و تصرف کردن.

البته باید توجه داشت تأثیر لقمه حرام در حد زمینه و اقتضا است نه علت تامه؛ یعنی آن که زمینه را برای برخی گرایش‌های ناروا فراهم می‌کند نه آن که از انسان سلب اختیار کند. چه بسا فرزندی که از پدر و مادر کافر به وجود می‌آید ولی راه خیر در پیش می‌گیرد، چون با اختیار و فطرت خویش به سوی کمال حرکت می‌کند بنابراین شما نیز می‌توانید با اختیار و معرفت خویش آن نقیصه را جبران کنید. مسلماً مراقبت شما جبران گذشته‌ها را خواهد کرد و خداوند نیز هم آمرزنده است و هم جبران کننده. آنچه مسلم است این است که عنصر وراثت در شخصیت انسان موثر است اما این تاثير به حدی نیست که اختیار را از انسان

سلب کند بلکه تنها مسیر رسیدن به کمال معنوی را نزدیک یا طولانی می‌کند. به عبارت دیگر آهنگ و میزان گرایش به سمت نیکیها و بدیها را کمتر یا افزونتر می‌سازد و در نتیجه کسی که با وجود چنین عواملی راه درست را در پیش گیرد از پاداش افزونتری بهره‌مند خواهد شد زیرا با دشواری و تلاش بیشتری این راه را پیموده است.

با توجه به آیه ۲۷ سوره آل عمران که می‌فرماید: «تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ؛ خداوند زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج می‌سازد» می‌توان گفت که وراثت آزادی را از انسان نمی‌گیرد زیرا چه بسا انسانهای زنده دل که از انسانهای مرده دل پدید آیند و برعکس (تفسیر نمونه ذیل آیه)

نکته دیگر این است که آثار وضعی لقمه حرام و مال و غذای مشکوک مربوط به صورت علم و آگاهی است و اگر در صورت عدم آگاهی هم اثر وضعی باقی باشد، کم رنگ و کم اثر است و با اعمال نیک و نیت خوب و عبادات از بین می‌رود - پس در عین حساس بودن و مراقب بودن باید از وسواس و بدبینی و جستجو در این مورد پرهیز کرد و تا زمانی که علم به حرام بودن نداریم از بدبینی و ترتیب اثر دادن پرهیز کنیم.

بنابراین لقمه حلال یا حرام هر دو جزء علت است نه تمام علت لذا گاهی از انسان های پاک مانند پیامبران و امامان، فرزندان ناشایست به دنیا می آیند مانند پسر نوح و جعفر کذاب پسر امام حسن عسکری (ع) و گاهی از افراد ناشایست فرزندان پاکی به دنیا می آیند.

در معارف ارزشمند اسلام، غذای حلال و حرام، تأثیرات شگرفی در زندگی انسان دارد در حالی که برخی از افراد از آن غفلت دارند. غذا علاوه بر تأمین «ویتامین» و «پروتئین» بدن انسان، در روح و روان انسان تأثیرات مهمی دارد.

در حدیثی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «لَيَجِيَنَّ أَقْوَامٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَجِبَالِ تِهَامَةَ فَيُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ، فَقِيلَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! مُصَلُّونَ؟ قَالَ: كَانُوا يُصَلُّونَ وَيَصُومُونَ وَيَأْخُذُونَ وَهَذَا مِنَ اللَّيْلِ لَكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا لَحَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا وَثَبُوا عَلَيْهِ»

در روز قیامت اقوامی با داشتن حسنات بسیار، به اندازه کوه‌های مکه، می‌آیند و امر می‌شود که به آتش افکنده شوند. برخی عرض کردند: یا نبی الله! آیا این افراد نمازگزار بودند؟ حضرت می‌فرماید: آری، نماز

می‌خواندند، روزه می‌گرفتند و پاره‌ای از شب را به عبادت مشغول بودند؛ لکن هرگاه بر اینان چیزی از دنیا پیدا می‌شد، خود را بر آن می‌افکندند!!

بنابراین، هر مؤمن موظف است در آنچه بدست می‌آورد دقت نماید؛ که خدای ناکرده به حرامی آلوده نگردد و در غذایش وارد نشود و در درون شکمش جای نگیرد.

**بطور کلی هر غذایی از این سه حالت بیرون نیست:**

(۱) غذا و لقمه حلال؛

(۲) غذا و لقمه حرام؛

(۳) غذای و لقمه شبهه ناک.

(۱) غذا و لقمه حلال

در معارف دینی ما «غذا و لقمه حلال» مقدمه عمل صالح می‌باشد و اثر غذای حلال در سبکی روح، نور باطن، توجه به عبادات، و اثر غذای حرام در سنگینی، کدورت و کسالت در عبادات به خوبی مشهود است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با دقت بسیار، چیزی را از کسی می‌پذیرفت و تا یقین به حلال بودن آن پیدا نمی‌کرد، آن را نمی‌خورد.

در تاریخ نقل است: «پس از روزی دراز و بس سوزان، «امّ عبد الله» خواهر «شدّاد بن اوس» ظرف شیری برای افطار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاد. حضرت ظرف را به وی بازگرداند و به وی پیغام فرستاد که: این شیر را از کجا آورده‌ای؟ امّ عبد الله گفت: از گوسفند خویش. سپس فرمود: این گوسفند را از کجا آورده‌ای؟ امّ عبد الله گفت: از مال خود خریده‌ام. سپس ایشان، شیر را آشامید. فردای آن روز، امّ عبد الله نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! به خاطر گرمی هوا و درازی روز، ظرف شیری برایتان فرستادم؛ اما شما آن را همراه پیکی باز گرداندی؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «بِذَلِكَ أَمَرَتِ الرَّسُلُ أَنْ لَا تَأْكُلَ إِلَّا طَيِّبًا وَلَا تَعْمَلَ إِلَّا صَالِحًا؛ به همین، پیامبران، فرمان یافته‌اند که جز حلال نخورند و جز کار نیک، انجام ندهند.»

عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) أنه قال فی وصیته له: «يَا عَلِيُّ: اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا عَلَى الْمَائِدَةِ: أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرِيضَةٌ، وَأَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ، وَأَرْبَعٌ مِنْهَا أَدَبٌ. فَأَمَّا الْفَرِيضَةُ فَالْمَعْرِفَةُ بِمَا يَأْكُلُ، وَالتَّسْمِيَةُ وَالشُّكْرُ وَالرِّضَا. وَأَمَّا السُّنَّةُ فَالْجُلُوسُ عَلَى الرَّجْلِ الْيُسْرَى، وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعَ، وَأَنْ يَأْكُلَ مِمَّا يَلِيهِ، وَمَضُّ الْأَصَابِعِ. وَأَمَّا الْأَدَبُ فَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ، وَالْمَضْغُ الشَّدِيدُ، وَقِلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ، وَغَسْلُ الْيَدَيْنِ.

{ خصال }

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در وصیتش به آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: یا علی، دوازده خصلت است که سزاوار است هر مسلمان در رابطه با سفره غذا بداند؛ چهار خصلت آن واجب، چهار خصلت مستحب و چهار خصلت دیگر ادب سفره است، واجبات سفره اش آن است که چیزی را که می خورد بشناسد (حلال است یا حرام)، شروع کردن با بسم الله الرحمن الرحیم؛ شکر گذاری کردن و راضی بودن. مستحبات آن است که بر ران چپ بنشیند؛ با سه انگشت غذا بخورد، از مقابل خود بخورد؛ و انگشتان خود را بلیسد. ادب سفره لقمه کوچک برداشتن و خوب جویدن غذا و کم نگاه کردن به چهره دیگران و شستن دو دست پس از غذا است.

### چند حدیث در اهمیت کسب حلال:

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم): مَنْ بَاتَ كَالاً مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ بَاتَ مَغْفُوراً لَهُ.

کسی که شب را از خستگی طلب حلال بخوابد، آموخته شده خوابیده است.

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم): «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى عَبْدَهُ تَعَباً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

خداوند دوست دارد بنده اش را در زحمت طلب حلال ببیند.

۳- لَا تَدْعُ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى دِينِكَ.

طلب روزی حلال را فرو مگذار، که روزی حلال تو را در دینداری کمک می کند.

## تجربه ها و عبرتها:

کسانی که اهل استفاده از حلال هستند و از حرام پرهیز می کنند، رغبت و توفیق انجام کارهای خیر و عبادات را دارند.

کسانی که اهل استفاده از حرام هستند و از آن پرهیز نمی کنند، رغبت و توفیق انجام کارهای خیر و عبادات را ندارند.

میگویند: یکی از پادشاهان، آهوئی برای یکی از علمای بزرگ فرستاد، و پیام داد که این آهو حلال است، از گوشت آن بخور؛ زیرا من آن را با تیری که به دست خودم ساخته‌ام، صید کرده‌ام، و هنگام صید آن، بر اسبی سوار بودم که آن اسب را از پدرم ارث برده‌ام.

آن عالم در پاسخ گفت: به یاد دارم یکی از پادشاهان به حضور استادم آمد و دو پرنده دریایی به او تقدیم کرد و گفت: از گوشت این دو بخور، من این دو پرنده را با سگ شکاری خودم صید کرده‌ام. استادم گفت: سخن درباره این دو پرنده نیست، سخن در غذایی است که به سگ شکاری خود می‌دهی؟ آن سگ، مرغ کدام پیره‌زنی را خورده تا برای صید، نیرومند شده است؟ بنابراین، اگر فرض بگیریم این آهوئی که خودت با تیر ساخته خودت، در حالی که بر اسب به ارث رسیده از پدرت سوار بودی، صید کرده باشی؛ باز مهم آن است که این اسب، علف کدام ستم‌کشیده را خورده است که نیروی حمل تو را برای صید یافته است؟

## غذا و لقمه حرام

کسب مال حرام و دوری نکردن از آن، باعث هلاکت انسان می‌شود؛ چنانکه بسیاری از افراد به سبب آلوده شدن به آن، از سعادت محروم شده و توفیق رسیدن به درجات کمال را پیدا نکرده‌اند، در نتیجه به نکبت‌های دنیا و آخرت دچار شده‌اند. قطعاً در مسیر زندگی به افراد بسیاری برخورده‌ایم که از همه نظر مورد تأیید همه مردم بوده‌اند؛ اما به ناگاه مسیر زندگیشان عوض شده و انگشت تعجب را بر دهان همه گذارده‌اند. اگر به‌درستی زندگی این افراد بررسی شود، به خوبی رد پای مال حرام مشاهده می‌گردد.

هرچند ظاهراً حلال با حرام فرقی ندارد؛ اما تأثیر حرام بر جان انسان آنچنان قوی هست که کشف آن از محدوده علوم ظاهری بشر خارج است، لذا دین و اولیاء دین (علیهم السلام) تأثیر حرام را در روح و روان انسان، به انسان آگاهی میدهد.

به همین خاطر امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا خطاب به کسانی که به جنگ او آمده بودند و حاضر به سکوت و گوش دادن به سخنانش نبودند، می‌فرماید: وای بر شما! چرا ساکت نمی‌شوید و سخن مرا گوش نمی‌کنید؛ در حالی که من شما را به راه هدایت دعوت می‌کنم؟ کسی که از من اطاعت کند، هدایت می‌شود و کسی که نافرمانی نماید، هلاک و کافر خواهد شد. شما مرا اطاعت نمی‌کنید، گوش به سخن من نمی‌دهید، سپس حضرت در علت این مسئله می‌فرماید: «فَقَدْ مَلِئْتُ بَطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ» به تحقیق که شکمهای شما از حرام پر شده و به قلبهای شما مهر [قساوت] زده شده است.

از نظر معارف اسلام آثار حرام و خوردن غذای حرام غیر قابل انکار است. غذای حرام قلب را تاریک و روح را ظلمانی می‌کند و فضائل اخلاقی را ضعیف می‌سازد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ.

بیمناک‌ترین چیزی که بر امت خود از آن می‌ترسم، درآمدهای حرام است.

مسعودی در کتاب «مروج الذهب» مینویسد: فضل بن ربیع، رئیس تشریفات دربار «مهدی» سومین خلیفه عباسی، می‌گوید: روزی شریک بن عبد الله نخعی (قاضی مشهور، که از دانشمندان نامی اهل تسنن بود و در علم فقه و حدیث مهارت داشت و دارای هوشی سرشار و استعدادی قابل ملاحظه بود. اهل تسنن او را بزرگ می‌داشتند، و برای قضاوت از دیگران بهتر و لایق‌تر می‌دانستند و عدالتش را در محکمه قضا می‌ستودند.) به ملاقات خلیفه آمد. مهدی او را گرامی داشت و از وی خواست که یکی از سه کار را انتخاب کند: یا منصب قضاوت پایتخت را بپذیرد، یا به فرزندان خلیفه علم و حدیث بیاموزد، و یا یک وعده غذا با او صرف کند. شریک از تماس زیاد با دربار و رجال دولت آن روز احتراز می‌جست و سعی می‌کرد به هر نحو شده خود را در دستگاه آنها وارد نسازد و دامنش آلوده نگردد؛ و لذا از پذیرش هر سه پیشنهاد خلیفه عذر خواست؛ ولی مهدی عباسی عذر او را نپذیرفت و گفت: حتماً یکی از آنها را اختیار کن. شریک فکری کرد و پیش خود

گفت: خوردن غذا آسان‌تر از تقبل آن دو کار دیگر است. از اینرو، آمادگی خود را برای صرف غذا با خلیفه اعلام داشت. خلیفه هم دستور داد غذای بسیار لذیذ (و طبعاً حرام) تهیه کنند، سپس سفره گسترده و انواع غذای رنگارنگ بر آن نهادند و شریک و خلیفه مشغول صرف آن شدند. بعد از صرف غذا، ناظر آشپزخانه دربار رو به خلیفه کرد و گفت: این پیرمرد بعد از خوردن این غذا هرگز بوی رستگاری را نخواهد دید!

فضل بن ربیع گوید: مطلب همین‌گونه شد، و شریک بن عبد الله بعد از این ماجرا، هم به تعلیم فرزندان آنها پرداخت و هم منصب قضاوت را از سوی آنها پذیرفت. پس از آنکه مستمری او را به دفتر نویس (حسابدار دربار) حواله دادند، درباره مبلغ آن چانه می‌زد، دفتر نویس گفت: مگر پارچه فروخته‌ای. گفت: به خدا مهم‌تر از پارچه فروخته‌ام، دینم را فروخته‌ام.

### اثر لقمه حرام:

مرحوم ملا احمد نراقی در کتاب «معراج السعادة» مال حرام را از بزرگترین عوامل هلاکت انسان و مهم‌ترین موانع رسیدن به سعادت [دنیوی و اخروی] معرفی می‌کند و می‌فرماید: «بیش‌تر کسانی که به هلاکت رسیده‌اند، به سبب خوردن مال حرام بوده و اکثر مردمی که از فیوضات و سعادات محروم مانده‌اند، به واسطه آن است... کسی که تأمل کند، می‌داند که خوردن حرام، اعظم حجابی است که بندگان را از وصول به درجه ابرار [باز داشته] و قوی‌تر مانعی است برای اتصال به عالم انوار.»

ایشان در ادامه می‌فرماید: «آری، دلی که از لقمه حرام روییده شده باشد کجا و قابلیت انوار عالم قدس کجا؟ و نطفه را که از مال مردم به هم رسیده باشد با مرتبه رفیعۀ انس با پروردگار چه کار؟ چگونه پرتو لمعات عالم نور، به دلی تابد که بخار غذای حرام، آن را تاریک کرده؟ و کی پاکیزگی و صفا از برای نفس حاصل می‌شود که کثافات مال مشتبه آن را آلوده و چرک نموده باشد؟»

۱- لقمان حکیم در لابلای وصایای خویش به فرزندش می‌فرماید: يَا بُنَيَّ! اَعْلَمُ اَنِّي خَدَمْتُ اَرْبَعَ مِائَةِ نَبِيٍّ وَ اَخَذْتُ مِنْ كُلِّهِمْ اَرْبَعَ كَلِمَاتٍ وَ هِيَ: اِذَا كُنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاحْفَظْ قَلْبَكَ، وَ اِذَا كُنْتَ عَلَى الْمَائِدَةِ فَاحْفَظْ حَلْقَكَ، وَ اِذَا كُنْتَ فِي بَيْتِ الْغَيْرِ فَاحْفَظْ عَيْنَكَ، وَ اِذَا كُنْتَ بَيْنَ الْخَلْقِ فَاحْفَظْ لِسَانَكَ.

پسر! بدان که من چهار صد پیغمبر را خدمت کردم و از سخنان آنان چهار جمله انتخاب کردم: ۱. در حال نماز دلت را نکه دار [و با حضور قلب باش]. ۲. سر سفره مواظب گلویت باش (یعنی ببین چه چیزی را به شکمت میریزی). ۳. در خانه مردم چشمت را نکه دار. ۴. میان مردم زبانت را حفظ کن.

معنای این کلام، حفاظت از حلق به معنای نخوردن لقمه بزرگ یا گیر کردن استخوان نیست؛ بلکه این وصیت که از لابلاي معاشرت با چهار صد نبی الهی به دست آمده گویای این نکته است که نباید اجازه داد هر لقمه‌ای از گلوئی فرد مسلمان رد شود و به گوشت و خون تبدیل شود.

۲- مستجاب نشدن دعا؛

۳- قبول نشدن اعمال؛

۴- سیاه شدن دل؛

۵- لعن فرستادن فرشتگان؛

۶- محروم شدن از شفاعت اهل بیت (علیهم السلام).

۷- راوی گوید: در محضر امام باقر (علیه السلام) شرفیاب بودم که مردی به نام ابو ایمن حضور آن حضرت رسید و گفت: ای ابا جعفر! مردم مغرور شده و مدعی هستند که برای امت، شفاعت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کافی است. حضرت (علیه السلام) سخت متغیر و خشمگین شد، به طوری که آثار غضب از چهره مبارکش هویدا گشت و فرمود: وای بر تو ای ابا ایمن! چگونه این مردم فکر می‌کنند که [اگر] مرتکب هر منکری شده و شهوات خود را انجام دهند و هر لقمه حرامی را خورده و دست درازی به اموال و نوامیس دیگران بکنند، [باز می‌توانند] چشم به شفاعت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داشته باشند؟

۸- قال صادق (علیه السلام): كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الدَّرِيَّةِ. آثار کسب حرام در نسله‌ای بعد آشکار می‌شود.

### غذای شبهه ناک

مال و لقمه شبهه‌ناک یعنی مال و لقمه‌ای که حلال و حرام بودن آن معلوم نیست. و مطابق معارف دینی، «مؤمنان و متقیان» لازم است حتی از مال شبهه ناک پرهیز کنند چه برسد به مالی که از حرام باشد!!

\* قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): مَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ، وَقَعَ فِي الْحَرَامِ كَالرَّاعِي حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهِ أَلَا إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ تَعَالَى مَحْرَمُهُ.

هر که در چیزهای شبهه‌ناک بیفتد، [ناخواسته] در حرام خواهد افتاد، همانند چوپانی که در اطراف قُرُق، گوسفند بچراند [که هر آینه] بیم می‌رود که در قرق افتد. بدانید که هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خداوند در زمین محرمات اوست.

\* قال صادق (عليه السلام): أَوْعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبُهَةِ.

پرهیزکارترین مردم کسی است که در کنار امور شبهه‌ناک (که معلوم نیست حلال است یا حرام) توقف نماید.

\* نقل است: روزی پدر جناب مقدس اردبیلی در کنار نهر آبی نشسته بود. دید سویی بر روی آب روان است. سیب را برداشته و از آن قدری تناول کرد؛ اما ناگهان پشیمان شد که چرا بدون اجازه صاحبش در آن تصرف کرده است. بدین جهت در مسیر آب حرکت کرد تا ببیند این سیب از کجا آمده است. بالاخره به باغی رسید که درخت سیب داشت و آب از آن باغ بیرون می‌آمد. مالک آن را یافت و ماجرا را شرح داد و از او طلب رضایت کرد. آن مرد رضایت نداد. گفت: قیمتش را می‌دهم. گفت: راضی نمی‌شوم. بالاخره بعد از اصرار زیاد صاحب باغ گفت: من با یک شرط از شما راضی می‌شوم. دختری دارم کر و کور و کچل و لال و مفلوج. اگر با او ازدواج می‌نمایی، رضایت می‌دهم. پدر مقدس اردبیلی که دید چاره‌ای جز این ندارد، پذیرفت و تن به این ازدواج داد. عقد را جاری کردند. شب زفاف داخل حجله شد و دختر خوش جمال و صحیح و سالمی را در حجله دید. از حجله بیرون آمد و نزد پدر عروس رفت و گفت: آن دختری که برای من وصف کردی، این نیست! گفت: این همان است؛ اما اینکه گفتم کور است؛ چون چشمش نامحرمی را ندیده، و اینکه گفتم کچل است؛ یعنی مویش را نامحرمی ندیده. گفتم لال است؛ یعنی با مرد بیگانه سخن نگفته و گفتم مفلوج است؛ یعنی از خانه بیرون نرفته است. من مدت‌ها انتظار داشتم که این دختر را به همسری مثل شما بدهم و چون جدیت شما را در رضایت گرفتن برای خوردن یک سیب دیدم، این شرط را قرار دادم.» و البته از چنین پدری باید پسری همچون مقدس اردبیلی تربیت شود.

خلاصه آنکه: همان‌گونه که انسان سعی دارد غذایش از هر نوع آلودگی ظاهری به دور باشد، به همین خاطر غذاها را در ظرفهای سرپوشیده و دور از دستهای آلوده و گرد و غبار نگهداری می‌کند، باید تلاش نماید غذای خود و خانواده‌اش را از هر نوع آلودگی به حرام نیز حفظ نماید.

### طلب روزی حلال در قرآن و روایات

با نگاه به آیات قرآن در می‌یابیم که قرآن هرگز ما را به چشم پوشی از مواهب الهی دعوت نکرده و فقر را ارزش و نعمت به حساب نیاورده است و امیرالمؤمنین علی (ع) یکی از ویژگی‌هایی که برای پارسایان بیان می‌کنند، تلاش برای روزی حلال است. به همین دلیل است که امام صادق (ع) درباره کار و تلاش خویش بر زمین زراعی فرمود: «من در زمین خودم تلاش می‌کنم و عرق می‌ریزم، در حالی که خدمتکارانم می‌توانند این کار را بکنند، ولی با این کارم می‌خواهم خداوند متعال ببیند که من در پی روزی حلال هستم.»

قرآن کریم حتی در سوره جمعه که توصیه آن به شرکت در نماز جمعه و ذکر خداست، می‌فرماید: هنگامی که نماز پایان یافت، شما آزادید در زمین پراکنده شوید و فضل خدا را بطلبید (به دنبال روزی بروید) و خدا را بسیار یاد کنید، شاید رستگار شوید! از این آیه استفاده می‌کنیم که حتی روز تعطیل و به جا آوردن اعمال عبادی در روز جمعه، مانعی برای فعالیت‌های اقتصادی سازنده نیست.

کسب روزی حلال در هر زمان و مکانی مسائل خاص خود را داشته و دارد ولی به نظر می‌رسد که امروزه به دلیل پیچیدگی‌های زندگی ماشینی، کسب روزی حلال سخت‌تر شده است و گویی شرایط امروز مصداق سخنی است که امام صادق (ع) در ۱۴۰۰ سال پیش خطاب به یکی از یارانش به نام «مصادف» فرمود که «یا مُصَادِفُ! مَجَالِدَةُ السَّيْفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ؛ شمشیرزدن و جنگیدن آسان‌تر از به دست آوردن روزی حلال است»

### آثار طلب روزی حلال

در آیات و روایات، از طلب روزی حلال به عنوان یکی از اسباب آمرزش گناهان یاد شده است. خدای متعال با اسباب مختلفی گناهان انسان را می‌بخشد که توبه، شفاعت، عبادات، ولایت اهل بیت (ع)، خدمت به مردم و... از این اسباب هستند و یکی از این سبب‌ها طلب حلال است. رسول خدا (ص) فرمود: «کسی که با

خستگی به سبب تلاش روزانه برای کسب حلال، شب را به صبح برساند، آمرزیده می شود». در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «بعضی از گناهان به وسیله نماز و صدقه هم آمرزیده نمی شوند. سؤال شد یا رسول الله! پس چه چیز موجب آمرزش آن است؟ فرمود: جدیت و تلاش در طلب معیشت».

یکی دیگر از برکات طلب روزی حلال، ایجاد رفاه خانواده است که در اسلام نسبت به این مسئله بسیار تأکید شده است به گونه ای که امام صادق (ع) می فرماید: «کسی که از طلب حلال شرم نکند، بارش سبک، سختی هایش آسان و خانواده اش در رفاه قرار می گیرند» و امام سجاد (ع) نیز در این باره می فرماید: «اگر داخل بازار شوم و با من پول باشد و به وسیله آن برای خانواده خود گوشت تهیه کنم که به آن بسیار نیازمندند، در نزد من محبوب تر است از اینکه بنده ای را آزاد نمایم» و رسول خدا (ص) درباره کسانی که با وجود تمکن مالی بر خانواده خویش سختگیری می کنند می فرماید: «کسی که وسعت مالی دارد و دارای تمکن است؛ ولی بر خانواده خود سخت بگیرد و آنان را از زندگی راحت محروم بدارد، از ما نیست»

پیامبر اکرم (ص) کسب در آمد حلال را برای هر مسلمانی واجب دانسته است و تلاش و کار کردن در این راه را با جهاد برابر شمرده اند. طلب روزی حلال در فرهنگ اسلامی از چنان جایگاهی برخوردار است که پیشوایان معصومین (ع) همواره با گفتار و عمل، پیروان خود را به تلاش برای به دست آوردن آن تشویق کرده و حلال بودن روزی را ویژگی لازم و دائمی درآمدها دانسته اند. همچنین ایشان مسلمانان را از بیکاری، نداشتن مهارت و دانش مفید و نیز کم کاری و تلف کردن وقت برحذر داشته است و کسانی را که با وجود توانای جسمی و روحی سربار دیگران هستند را از رحمت خدا دور خوانده اند. چنانکه پیامبر (ص) فرمود: «کسی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران بیفکند (و بخواهد از دسترنج مردم زندگی خود را بگذراند) رانده و مطرود درگاه باری تعالی است و نیز کسی که حقوق خانواده خود را ضایع کند ملعون است».

### شرایط کسب حلال

یکی از زمینه های کسب روزی حلال، شناخت دستورالعملهای دین و مسائل خرید و فروش است، همانگونه که امام صادق (ع) در بیان راهکار مناسب برای کسب روزی حلال می فرماید: کسی که می خواهد تجارت

کند، باید شناختی در دینش داشته باشد تا حلال را از حرام باز شناسد و کسی که شناخت دینی ندارد و به احکام تجارت ناآشناست ولی تجارت می کند، خود را در شبهات افکنده است.

ائمه معصوم(ع)، راهکار مناسب برای کسب روزی حلال را ابتدا شناخت دین و مسائل دینی و بعد از آن آشنا شدن با مسائل خرید و فروش بیان می کنند و به صراحت اعلام می دارند که شخصی که به اینها عمل نکند، خود را در شبهات و حرام گرفتار خواهد کرد.

### عوامل افزایش روزی حلال

بر طبق آیات و روایات اسلامی عوامل متعددی در وسعت روزی ذکر شده است که پایبندی به آن موجب افزایش روزی و رشد اخلاق و عواطف مردم در خانواده و جامعه می شود که مهمترین آن تقوا و پرهیزگاری است همانگونه که خداوند در قرآن می فرماید: «و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه». یکی دیگر از زمینه های افزایش روزی حلال، استغفار به درگاه الهی است که رسول خدا(ص) در این باره فرمود: فراوان از خدا طلب آمرزش کنید که آن جلب روزی می کند.

یکی از راههای افزایش روزی دعا و نیایش است. دعا و نیایش به درگاه خداوند از جایگاه والایی در فرهنگ اسلامی برخوردار است به گونه ای که ائمه اطهار(ع) از دعا به عنوان سلاح مؤمن و مخ العبادۃ یاد کرده اند و بسیاری از معارف بلند دینی و عرفانی را از طریق دعا به اصحاب خویش آموختند. از دیگر کلیدهای وسعت رزق حلال، پنهان کردن فقر است. پیامبر اکرم(ص) در این باره می فرماید: کسی که گرسنه شود یا احتیاجی داشته باشد ولی آن را از مردمان پنهان کند و تنها نزد خداوند بگوید، بر خداوند است که یک سال روزی حلال روزیش نماید.

در معارف اسلامی بر آثار مادی و معنوی صدقه و انفاق تأکید بسیار شده است که یکی از برکات صدقه، افزایش رزق و روزی است به گونه ای که بر مؤمنین در دادن صدقه در هنگام تنگدستی جهت گشایش روزی توصیه شده است. همچنین، در کنار عوامل گشایش روزی از جمله تمییز کردن ظروف غذا، همسایه خوب بودن، ازدواج، خلال کردن دندانها، مهمان نوازی، انگشتر عقیق، خوش اخلاقی و مهربانی و غیره در

روایات اسلامی، نسبت به عوامل فقر و تنگدستی نیز هشدار داده شده است و قطع ارتباط با خویشاوندان نزدیک و سبک شمردن نماز، قسم دروغ خوردن و ... به عنوان عوامل فقر و تنگدستی یاد شده است.

### آثار سوء حرام خواری و بی توجهی به کسب حلال

خداوند متعال برای تمام مخلوقات «روزی حلال» مقدر فرموده است. اگر انسان عجله نکند و قناعت و صبر را پیشه خود سازد، تمام رزق مقدرش به او خواهد رسید. کسانی که از کسب حرام پرهیز نمی کنند، خیال می کنند اگر از مال حرام صرف نظر کنند، کمبودی در معاششان پدید می آید و سخت محتاج و گرفتار می شوند.

در حالیکه خداوند می فرماید: «هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست. او قرارگاه و محلّ نقل و انتقالش را می داند. همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است».

هر مالی که انسان از راه نامشروع و حرام کسب کند، علاوه بر اینکه معصیت پروردگار را نموده و دارای عقوبت های اخروی است، در دنیا نیز موجب گرفتاری های جبران ناپذیر خواهد شد که بی برکتی اموال، عدم مقبولیت عبادات و ... از جمله آنهاست و پیامبر گرامی اسلام (ص) در این باره فرمود: «هر شب در بیت المقدس فرشته ای فریاد می زد: هر کس مال حرامی بخورد، خداوند هیچ عمل واجب یا مستحبی از او را نمی پذیرد» و حتی امام صادق (ع) درباره گذاردن حج با مال حرام هشدار داده و می فرماید: هر گاه کسی مالی از غیر راه حلال به دست آورد و با آن به حج مشرف شود، چون گوید «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ»، خطاب می رسد: «لَا لَبَّيْكَ وَ لَا سَعْدَيْكَ؛ تو نیامدی و رستگار نشدی».

عدم استجاب دعا یکی دیگر از پیامدهای بی توجهی به کسب حلال است به گونه ای که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «کسی که لقمه حرامی بخورد، تا چهل روز نمازش قبول نمی شود و تا چهل روز دعایش مستجاب نمی گردد و هر گوشتی که در بدن او از حرام روییده شود، به آتش جهنم سزاوارتر است و هر لقمه حرامی، باعث روییدن گوشت در بدن می شود» و نیز فرمود: «کسی که دوست دارد دعایش مستجاب شود، باید از درآمد و خوراک حلال و پاکیزه بهره مند شود و از حرام بپرهیزد».

## تأثیر منفی بی توجهی به رزق حلال بر نسل

از جمله تبعات حرام خواری، قساوت قلب است. خوراکی که انسان تناول می کند، اگر پلید و حرام باشد، قلب را تیره می سازد. در این صورت دیگر از او امید خیری نیست و پند و اندرز در او اثر نمی کنند و سخت ترین مناظر رقت بار او را متأثر نمی کند. چنانکه امام حسین(ع) به لشکریان عمر سعد فرمود: «از اینکه شما نافرمانی ام می کنید، و به سخن من گوش فرا نمی دهید، این است که شکم هایتان از حرام پر شده و بر دل هایتان مهر خورده و دیگر حق را نمی پذیرید.

یکی از مهمترین آثار بی توجهی به رزق حلال، تأثیر منفی بر نطفه و نسل است. در صورت نامشروع بودن «درآمد»، شیطان در به وجود آمدن فرزند مشارکت می کند و گرایش این فرزندان به گناه بیشتر می شود و تربیت آنها سخت تر و تکامل اخلاقی شان با مشکلات زیادتری روبه رو خواهد شد. لقمه حرام، چنان در جان و روان یک طفل اثر می گذارد که نمی تواند به آسانی از افاضات نورانی حق تعالی کسب نور کند و به سعادت راه یابد. خداوند در قرآن در این باره می فرماید: اِذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا... وَشَارِكُكُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ... «(ای شیطان) برو! هر کس از آنان که از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شماست؛ کیفری فراوان... و در ثروت و فرزندان شان شرکت جوی...». پیامبر اکرم(ص) درباره عاقبت حرام خواری فرمود: «هر کس در تحصیل مال بی باک باشد (و رعایت حلال و حرام را نکند)، خدا هم باکی ندارد که او را از هر دری وارد جنهم کند».

به هر روی، رزق حلال نیز همچون همه جنبه های دیگر زندگی نیازمند دعا، تضرع و مسألت از درگاه ربوبی است و سبب واقعی، خدای سبحان است. بنابراین تلاوت بعضی از سوره ها و آیات مبارک قرآن، دعاها و وارد شده از معصومین(ع) و نیز ذکرهایی که برای توسعه رزق توصیه شده اند، باید همواره مورد توجه باشند.

## داستانی شگفت از اثر حلال خواری

مرحوم علامه طهرانی می گوید: دوستی داشتم از اهل شیراز به نام حاج «مومن» که به رحمت ایزدی واصل شده است، مرد بسیار روشن دل، با ایمان و با تقوایی بود و با او عقد اخوت بسته بودم.

می‌گفت؛ مکرر خدمت حضرت حجت بن الحسن العسکری (عج) رسیده‌ام و مطالب بسیاری را از ایشان نقل می‌کرد و از بعضی هم ابا می‌نمود. از جمله این که می‌گفت: یکی از ائمه جماعات شیراز روزی به من گفت؛ بیا با هم به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) برویم، یک ماشین در بست اجاره کرد و برخی از تجار نیز در معیت او بودند، حرکت نموده به شهر قم رسیدیم و در آنجا یکی دو شب برای زیارت حضرت معصومه (س) توقف کردیم و برای من حالات عجیبی پیدا می‌شد و ادراک بسیاری از حقایق را می‌نمودم، یک روز عصر در صحن مطهر آن حضرت به یک شخص بزرگی برخورد کردم و وعده‌هایی به من داد.

به تهران رسیدیم و سپس به طرف مشهد مقدس راه افتادیم از نیشابور که گذشتیم، دیدیم مردی عامی در حالی که فقط یک خورجین داشت از کنار جاده به طرف مشهد می‌رود، اهل ماشین گفتند، این مرد را سوار کنیم ثواب دارد.

ماشین توقف کرده من و چند تن از دوستانم پیاده شدیم و از او خواهش کردیم سوار ماشین ما شود، قبول نمی‌کرد تا بالاخره پس از اصرار زیاد حاضر شد سوار شود، به شرط آن که کنار من بنشیند و هر چه بگوید مخالفت نکنم.

سوار شد و کنار من نشست در تمام راه برای من صحبت می‌کرد و از وقایع بسیاری خبر می‌داد و آنچه را که در آینده تا زمان مرگم برایم پیش می‌آید گفت؛ من از اندرزهای او بسیار لذت می‌بردم و آشنایی با چنین شخصی را از موهبت پروردگار و ضیافت حضرت رضا (ع) دانستم، کم‌کم رسیدیم به قدم‌گاه به موضعی که شاگرد شوفر از مسافرین گنبدنما می‌گرفتند.

### رنگ و طعم غذای حلال و حرام

همه پیاده شدیم، موقع ظهر بود خواستم بروم و با رفقای شیرازی خود، مثل گذشته بر سر یک سفره نهار بخورم گفت؛ آنجا مرو، بیا با هم غذا بخوریم، من خجالت کشیدم که پیش رفقای شیرازی بروم، زیرا پیوسته در کنارهم غذا می‌خوردیم، ولی چون ملزم شده بودم از حرف‌های او سرپیچی نکنم، به ناچار با آن مرد موافقت کردم، گوشه‌ای رفتیم و نشستیم از خرجین خود، سفره‌ای بیرون آورد، نان تازه در آن بود با کشمش سبز، شروع به خوردن کردیم برایم آن نان و کشمش بسیار لذت‌بخش بود، پس از این که هر دو سیر شدیم

گفت؛ حالا می‌خواهی به رفقای خود سربزنی و تفقدی کنی عیبی ندارد، من برخاستم و به سراغ آنها رفتم و دیدم کاسه‌ای که مشترکاً از آن غذا می‌خورند، پر از خون است و دست و دهان آنها به خون آلوده شده و خود اصلاً متوجه نیستند که چه می‌خورند، هیچ نگفتم چون مامور به سکوت در همه احوال بودم نزد آن مرد بازگشتم گفت؛ بنشین دیدی رفقاییت چه می‌خورند؟

تو هم از شیراز تا اینجا غذایت از همین چیزها بوده، اما تا به حال نمی‌دانستی، غذای حرام و مشتبّه چنین رنگ و طعمی دارد در مهمانسرا و آشپزخانه‌های بین راه غذا مخور، غذای بازار کراهِت دارد.

در ادامه گفت: حاج مومن وقت مرگ من رسیده، من از این تپه بالا می‌روم و آنجا می‌میرم، این دستمال بسته را بگیر، در آن پول است، صرف غسل و کفنم کن، و هر جا که آقا سید هاشم صلاح بداند (آقای سید هاشم همان امام جماعت شیرازی بود که در معیت او به مشهد آمده بودند) همانجا دفن کن. گفتم: ای وای! تو می‌خواهی بمیری! گفت: ساکت باش من می‌میرم و این را به کسی نگو.

سپس رو به مرقد مطهر حضرت رضا(ع) ایستاد و سلام عرض کرد و بسیار گریه کرد و گفت: تا اینجا به پابوس آمدم، ولی سعادت بیش از این نبود که به کنار مرقد مطهرت مشرف شوم.

از تپه بالا رفت و من حیرت‌زده و مدهوش بودم، گویی زنجیر فکر و اختیار از کفم بیرون رفته بود، به دنبال او از تپه بالا رفتم دیدم به پشت خوابیده و پاهایش را رو به قبله دراز کرده و با لبخند جان داده است، گویی هزار سال است که مرده است.

از تپه پایین آمدم و به سرعت رفتم پیش آقای سید هاشم و سایر رفقا و داستان را گفتم، خیلی تاسف خوردند و مرا مواخذه کردند که چرا به ما نگفتی و از این اتفاقات مطلع ننمودی؟

گفتم: خودش دستور داده بود و اگر می‌دانستم که بعد از مردنش نیز راضی نیست، حالا هم نمی‌گفتم راننده ماشین و شاگرد حضرت آقا و سایر همراهان تاسف خوردند و همه با هم به بالای تپه آمدیم و جنازه او را پایین آورده و داخل ماشین قرار دادیم، و به سمت مشهد رهسپار شدیم.

حضرت آقا می‌فرمودند: حقاً این مرد یکی از اولیای خدا بود که خدا مشرب صحبتش را نصیب تو کرد و باید جنازه‌اش با احترام دفن شود.

وارد مشهد شدیم، حضرت آقا مستقیم به حضور یکی از علما رفت و این واقعه را توضیح داد، آن مرد عالم با جماعتی بسیار آمدند، جنازه را غسل داده و کفن نمودند و بر او نماز خواندند و در گوشه‌ای از صحن مطهر دفن کردند و من مخارج را از دستمال می‌دادم، چون از دفن فارغ شدیم، پول دستمال نیز تمام شد، نه یک شاهی کم و نه یک شاهی زیاد، مجموع پول آن دستمال دوازده تومان بود.»

### **کسب روزی حلال بسان یک مجاهد**

پیامبر مکرم اسلام(ص) می فرمایند

قال النبی(ص) « الشَّاحِصُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ » (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۷)

کسی که به خاطر خداوند در جستجوی روزی حلال از مکانی به مکان دیگر مسافرت می‌کند مانند رزمنده‌ای است که در راه خدا جهاد می‌کند.

## منابع

- محمد حسین، تفسیر المیزان، با ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۲، ص ۷۳ - ۷۴، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰، مؤسسه‌ی الوفاء بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ ق.
- ثقة الاسلام کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۴، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- اسراء، آیه ۶۴: «و (ای شیطان!) هر کس از مردم را می‌توانی با صدای خود بلغزان و نیروهای سواره و پیاده‌ات را بر ضدّ آنان گسیل‌دار و در اموال و فرزندان با آنان شریک شو و به آنان وعده بده، و شیطان جز فریب، وعده‌ای به آنان نمی‌دهد».
- نک: نوروزی، محمد، آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، ص ۶۶ - ۶۹، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش؛ شکوهی، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۸۵، مرکز تربیت معلم؛ مهدوی، سید سعید، نگاهی به قصّه و نکات تربیتی آن در قرآن، ص ۲۲۲ - ۲۳۰، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
- نک: نگاهی به قصّه و نکات تربیتی آن در قرآن، ص ۲۲۵ - ۲۲۸.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم، ص ۶۳، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ ش.
- نک: نگاهی به قصّه و نکات تربیتی آن در قرآن، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.